

نگاه

وقتی بین جرخ‌های اقتصاد گیر می‌کنید

«اصرار» و «انکار»

زهره‌قلیچی

شاید باورش مشکل باشد اما کارگران هنوز که هنوز است منتظرند شاید فرجی شود. این جمله خودش به اندازه کافی ابهام دارد اما با اینکه سوومین ماه از سال ر ا طی می‌کنیم، برخی از اعضای جامعه کارگری هنوز امیدوارند در شورای عالی کار که مرجع تصمیم‌گیری دربارهٔ مزد است، اتفاقی بیفتد و در یکی از جلسات آن، کسی پیش‌قدم شود و موضوع مزد را مطرح کند. شاید که از طرح چنین موضوعی، ترمیم حقوق، مرهمی بر زخم‌های ناشی از اقتصاد این‌چینی شود. اقتصاد این‌چینی شاید مناسب‌ترین توصیف از وضعی باشد که مردم در گوشه‌های مختلف کشور با آن دست‌به‌گریبان هستند و صفت «این‌چینی» برای این اقتصاد از آن رو مناسب است که هرکس بسته به وضعی که در آن قرار دارد می‌تواند برداشت درستی از اقتصاد داشته باشد. کارگران هم از این قاعده مستثنا نیستند. شاید یکی از دلایلی که آنها به جد پیگیر اخباری هستند که نام و نشانی از برگزاری جلسه‌ای برای ترمیم حقوق داشته باشد، همین «اقتصاد این‌چینی» است. حالا این وضع باعث شده است کارگران یا نمایندگان آنها در جامعه کارگری، دست به انتقادهایی دربارهٔ رخدادهای شورای عالی کار بزنند. «محسن باقری» یک از فعالان است که از وضع موجود، انتقاد کرده و گفته است: «از ابتدای امسال نشست شورای عالی کار برگزار نشده است.»

محسن باقری، عضو کارگری شورای عالی کار، با انتقاد از بی‌توجهی طولانی وزارت کار به ایلنا گفته است: در فروردین، اردیبهشت و خرداد، شورای عالی کار برگزار نشده است، درحالی‌که براساس قانون باید حداقل ماهی یک بار نشست سه‌جانبه برگزار شود؛ ضمن اینکه ما بارها درخواست کردیم نشست‌هایی برای ترمیم و اصلاح دستمزد ترتیب دهند.

باقری با بیان اینکه به‌رغم مطالبه‌گری، پاسخی نگرفته‌ایم؛ اضافه کرد: هیچ دعوت‌نامه‌ای به دست اعضای کارگری شوروی‌عالی کار نرسیده است؛ گویا وزیر کار و معاون روابط کار ایشان، اهمتامی برای عمل به قانون ندارند و برای سه‌جانبه‌گرایی ارزش قائل نیستند.

به گفته او، اعضای کارگری شورای عالی کار همچنان آماده مذاکره برای ترمیم دستمزد سال جاری هستند، اما وزارت کار موضوع را جدی نمی‌گیرد.

باقری افزود: دستمزد سال جاری که بدون امضای نمایندگان کارگری تصویب و ابلاغ شده باید ترمیم شود؛ ما انتظار داشتیم پیش از این‌ها به سر میز مذاکره بازگردند اما حتی جلسات عادی و قانونی شورای عالی کار در سال جدید برگزار نشده است؛ پرسش اینجاست که این بی‌قانونی تا کجا قرار است ادامه یابد؟

خواستۀ تکراری: پاسخ تکراری‌تر

این داستان از همان روز که افزایش ۳۵ درصدی حقوق کارگران، تصویب شد، در جامعه کارگری، در محافل مختلف تکرار می‌شد و آنها از هر فرصت استفاده می‌کردند تا ناراضیاتی خود را از این موضوع اعلام کنند. در همین صفحه از روزنامه «شرق» نیز بارها به این موضوع پرداخته شد و بخش تصمیم‌گیر در این موضوع، به خواسته‌های کارگران وقتی نشد. به هر روی از آن روز تا همین امروز بارها و بارها از دوزن جامعه کارگری این خبر به گوش رسیده که حاضران در این حوزه نسبت به این میزان از افزایش حقوق دل‌چرکین هستند و در پی راهکاری می‌گردند یا بتوانند برای به‌دست‌آوردن آنچه حق خود می‌دانند، آن را به کار گیرند. حتی این سخن هم چندیاری نقل قول شد که در آن جلسه، تیم کارفرمایی شورای عالی کار (دولت به عنوان بزرگ‌ترین کارفرمای کشور) با ابرقاص بالاتری برای افزایش حقوق هم راضی بوده‌اند، اما طرف دولت در این شورای سه‌جانبه یا از یک کفش کرده و دست را به پرتش‌ها کشیده تا افزایش حقوق از ۳۵ درصد بیشتر نشود. درست اردیبهشت بود که دوباره اعتراضات بخشی از جامعه کارگری و ناراضیاتی آنها روی خط خبری رفت و همان زمان نیز وزیر کار آب پاکی را روی دست کارگران ریخت و گفت که افزایش حقوق پارامترهای مختلف حقوق کارگران دیگر قابل تصور نیست و احتمال افزایش حق مسکن کارگران را از اساس منتفی دانست.

صولت مرتضوی، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی، اردیبهشت‌ماه افزایش حقوق کارگران را در هر صورت حتی در قالب افزایش حق مسکن کارگران، منتفی دانست و در حاشیه جلسه هیئت دولت در جمع خبرنگاران گفت: ما حداقل حقوق و دستمزد کارگران را ۳۵ درصد افزایش دادیم. نمایندگان کارگران و کارفرمایان به اتفاق نظرشان این بود که آیتهم‌های اصلی افزایش پیدا کند، شورای عالی کار هم پیشنهاد دیگری در این حوزه نداشتند.

این در حالی است که پیش از این، مقامات وزارت کار بارها درباره احتمال اصلاح مصوبه مزدی و افزایش حق مسکن کارگران سخن گفته بودند؛ حتی در مرحله‌ای، کارگران در انتظار ابلاغ افزایش ۳۵ درصدی حق مسکن ۱۴۰۳ بودند.

منتفی‌شدن اتفاقی افزایش حق مسکن، از آن روز به بعد باز هم با انتقادات کارگران مواجه شد و اعضای کارگری شورای عالی کار بارها تأکید کرده‌اند که این رویکرد دولت نادرست است. محسن باقری در این رابطه به ایلنا گفته است: مزد ۱۴۰۳ بدون امضای نمایندگان کارگری به تصویب رسیده و بدون تردید باید اصلاح شود. به گفته او، اعضای کارگری منتظر برگزاری مذاکرات مزدی هستند؛ ولی وزارت کار در این زمینه اهمال کرده است. این عضو کارگری شورای عالی کار تأکید دارد که مزد ۱۴۰۳ بدون رعایت قانون به تصویب رسیده و نرخ تورم و سبب معیشت در آن لحاظ نشده است.

حالا آن داستان ادامه دارد و محسن باقری، عضو کارگری شورای عالی کار، بار دیگر با انتقاد از بی‌توجهی طولانی وزارت کار به موضوعات مربوط به ترمیم مزد گفته است: در فروردین، اردیبهشت و خرداد، شورای عالی کار برگزار نشده است، درحالی‌که براساس قانون باید حداقل ماهی یک بار نشست سه‌جانبه برگزار شود؛ ضمن اینکه ما بارها درخواست کردیم نشست‌هایی برای ترمیم و اصلاح دستمزد ترتیب دهند.

سؤال این است که آیا مسئولان به این فکر نمی‌کنند که کارگران چرا بر این موضوع تأکید دارند و چرا هنوز که هنوز است منتظر افزایش یا ترمیم حقوق هستند. آیا آنها به این فکر نمی‌کنند که این‌قدر اصرار از سوی آنها به چه دلیل اتفاقی می‌افتد؟ این احتمال وجود دارد که اگر مسئولان مرتب‌بم بخششی از زمان خود را در بازار و برای تأمین مایحتاج روزانه صرف کنند، احتمالا خواهند دانست ترمیم حقوق برای چه به عنوان روزنه امید بخشی از جامعه کارگری، هنوز هم به‌عنوان یک کورسو، مورد قبول است.



روایت روزگاری که ارزش‌ها تغییر می‌کند

همستریزم ایرانی

آسمان تیره شده است و باد مثل شلاق خودش را به صورت ابرها می‌کوبد، رعدوبرق خودش را به بالاترین ساختمان می‌رساند و نوری را روی پشت‌بام با غیظ خالی می‌کند و ابرها را وحشتی از غرشی مهیب فرامی‌گیرد. آسمان نم‌نمک شروع به بارش می‌کند. می بارد و انگار که گریه‌اش گرفته باشد. لحظه به لحظه به میزان بارش اضافه می‌شود.... مردم جمع شده‌اند؛ گروهی حیران‌اند و گروهی سرگردان. توی هم می‌لولند و در گوش هم چیزهایی شبیه ورد، زمزمه می‌کنند. مردم گویا سحر شده‌اند. به دست ساحره‌ای از قرون وسطا. مردم جمع‌اند. گویی که بارقه‌ای از امید در سپهر زندگی‌شان درخشیده باشد.

که در آن تمام آنچه به دره مبتدیان در اقتصاد می‌خورد، آورده شده است. از جمله او توضیحی اجمالی درباره مکاتب اقتصادی داده است. او در این کتاب تأکید دارد که در قرون وسطا که کلیسا بر قاره سبز سلطنت داشت، معیار آن ردزلیت و فضیلت بود. اهل کلیسا به تقلید از یونانیان معتقد بودند ردزلیت و فضیلت مانند دو کفه از یک ترازو است. هرچه ردزلیت زیاد شود، کفه آن سنگین‌تر خواهد شد و کفه فضائل سبک‌تر و برعکس سنگینی کفه فضیلت، کفه ردزایل را با کاستنی مواجه و آن را با آسمان جفت خواهد کرد. این برداشت به‌این‌دلیل مورد توجه قرار دارد که کلیسا آن روز ثروت را عاملی ردزلیت‌زا می‌دانست. ماچرا در طول قرون وسطا پیش رفت را رفته‌رفته پس از پایان این دوران، هم‌زمان با افزایش مرادوات اهل مغرب با ساکنان مشرق‌زمین، به دلیل نیازهای کالایی، کسب‌وکارهای شهری رونق گرفت و تجارت بین ساکنان مغرب و مشرق بر نقطه اوج ایستاد. البته این به آن معنا نیست که تجارت بین این دو گروه پیش‌از این نبوده، بلکه چه آن روز که مارکوپولو، ونیز تا چین را با مال‌التجاره خانوادگی، به هم کوک می‌زد و چه در زمان رونق جاده ابریشم، همیشه این مرادوات وجود داشته است اما هرچه به اواسط قرن ۱۸ میلادی نزدیک‌تر می‌شیدیم، این مرادوات با افزایش میزان تولید کالا در قالب کسب‌وکارهای شهری، افزایش می‌یافت. در این دوره مردمان غرب‌نشین، تعالیم کلیسا درباره ردزلیت اندوختن مال را به فراموشی سپردند و تب طلا و نقره روزه‌رروز در آن سامان افزایش یافت. این دوران که تب به‌دست‌آوردن «سکه» به هر قسمت در میان اهالی آن سرزمین روزه به روز افزایش می‌یافت، دوره مرگ کانکتلیسم نامیده شد و تا امروز اقتصاددانان از آن به‌عنوان دوره اگر نکوییم تاریک که خاکستری ی‌یاد می‌کنند. دوران امروز ایران با در بورس قرارگرفتن تب جمع‌آوری سکه، آن هم به مدد لرزاندن انگشت روی صفحه موبایل، اگرچه حدود چهار قرن با آن روز تفاوت زمانی دارد، اما گویا در یک تطابق اقتصادی_فرهنگی با چهار قرن تأخیر رخ داده است. تنها تفاوتی که می‌شود آن تب چهار قرن پیش اروپایی را است. این است که آن روز اگر مردمان تب سکه هم داشتند، به مدد زحمت و کار به آن می‌رسیدند و مردمان این زمان در تقاطع جغرافیا و تاریخ، با لرزاندن انگشت، طلب سکه می‌کنند.

از زاویه جامعه‌شناسی

ایدیمی همستر را البته برخی در کفه نوکیسگان می‌گذارند. این گروه معتقدند نگاه به ثروت‌های یادآورده نوکیسگان نفتی و شیوه زندگی آنها، این تغییر نگروش را بر جامعه ایرانی بار کرده که دیگر برای کار ارزش ذاتی قائل نیستند. به عقیده برخی «این مناقشه که نقت برای کشورهایی مانند ایران ازلیت سیاه بوده است یا بلای سیاه، به نتیجه قطعی نرسیده، اما یک چیز روشن است و آن اینکه نقت تأثیر ماندگاری بر فرهنگ ایرانیان به‌جا گذاشته است. دولت نقتی به منبعی برای توزیع رانت برای حامی‌پروری برای نظام سیاسی تبدیل شده و خواست شفافیت، کارآمدی و پاسخ‌گویی را به محاق برده است. در این میان، توزیع درآمدهای یادآورده نیز به تقویت فرهنگ دلال‌صفتی، پشت‌میزنشینی و بی‌اعتنایی به تقویت بخش خصوصی و کارآفرین انجامیده است.» امان‌الله باطنی، پژوهشگر اجتماعی معتقد است: گرایش جامعه به بازی «همستر کامیت» که در روزهای اخیر به شکل گسترده‌ای شایع شده، ناشی از «تحرك اجتماعی» و میل به کسب درآمد بدون تلاش و زحمت است. او گفته است: در مباحث جامعه‌شناسی با مفهومی به نام «تحرك اجتماعی» مواجهیم که به معنای تغییر پایگاه انتسابی (محول) اجتماعی است؛ برای مثال، وقتی یک کارگر تبدیل به سرکارگر می‌شود، نوعی تحرك افقی برای او اتفاق افتاده و زمانی که تبدیل به کارمند شود، تحرك عمودی داشته است. اگر به دنبال واکاوای انگیزه‌های گرایش عمومی به بازی «همستر کامیت» هستیم، باید روند تحرك اجتماعی را در جامعه تحلیل کنیم. این جامعه‌شناس تأکید دارد: تحرك اجتماعی در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ در مواردی مانند عبور از سد کنکور و کسب رتبه‌های دورقمی و پایین‌تر برای قبولی در رشته‌های پزشکی و مهندسی در دانشگاه‌های دولتی بود، اما در اوایل دهه ۸۰



محمد حسن پیمانکاری

محمد حسن پیمانکاری

لجن‌دیی زکوندوار بر گوشه لب‌شان نشسته است. انگار صور اسرافیل نویدی از بهشت برای‌شان به ارمنغان آورده است. حالا همه وارد یک دالان شده‌اند. از یک سو می‌روند و کارهایی شبیه هم انجام می‌دهند. کارهایی که گویا برای خوشبخت‌شدن، قرار است از روی دست هم تکرار کنند! ضربه بزنند روی شکم یک همستر که به‌صمّل می‌خواهد ثروتی متفاوت از آنچه پیش‌ازاین به دست می‌آمده، نصب جماعت کند. تب همستری که پول تولید می‌کند، حالا همه را گرفته و ایرانی‌ها ولع رسیدن به نوعی خوشبختی دارند که از مسیر انگلستان طلایی‌شان می‌گذرد....

به‌تدریج زمينه‌های دیگری برای تحرك اجتماعی مطرح شد؛ مانند ظهور شبکه‌های هر می و گلدکوئیست» که برخی را به مال رساند و به بسیاری از افراد زیان وارد کرد. باطنی معتقد است: این موارد در دهه ۹۰ پررنگ شد و شاهد صف‌های طولانی برای خرید دلار، سکه و خودرو بودیم؛ به‌طوری‌که بر اساس اعلام برخی منابع اقتصادی در اواخر دهه ۹۰، بخش درخور توجهی از درآمد خانوارهای ایرانی از طریق واسطه‌گری و مواردی مانند خرید و فروش سکه و ارز بود. این پژوهشگر اجتماعی ادامه می‌گوید: حقیقت آن است که جامعه دچار نوعی هنجارپریشی (انومی) اقتصادی شده؛ به‌طوری‌که هنجارهای اقتصادی موجود پاسخ‌گویی انتظارات بخشی از مردم نبوده و فراگیرشدن بازی همستری نیز نشانه‌ای از آن است. احساس انومی اقتصادی به عدم تناسب نیازها، اهداف، امکانات مالی و اقتصادی و راه‌های دستیابی به آنها گفته می‌شود که در شخصیت نسل جوان درونی شده است. باطنی تصریح دارد: جامعه به دنبال کسب پول بدون زحمت و تحرك اجتماعی آسان بوده و بازی همستر بسترساز این مقوله شده است. این پژوهشگر اجتماعی این را هم گفته است که ویژگی قابل توجه «همستر کامیت» آن است که کسب پول و تحرك اجتماعی آسان را به شکل بازی طراحی کرده و از راهبرد (استراتژی) «گیمیفیکیشن» (بازی‌سازی) استفاده درستی کرد که در بازاربازی اجتماعی نیز موفق بوده است. باطنی گفت: درون‌مایه طنز_جامعه ایرانی نیز در این میان به افزایش اقبال عمومی به این بازی دامن زد. بسیاری از افراد درگیر «برانگیختگی همگانی» (هیستری جمعی) شدند و به تعبیر عامیانه «شوخی شوخی» اقدام به نصب بازی کردند. اما ان‌الله قرایی‌همقدم، جامعه‌شناس دیگر نیز معتقد است: در جامعه امروز شخصیت شما بر اساس ظاهر شما تعریف می‌شود و شما صرفا بر اساس ظاهر قضاوت می‌شوید؛ به همین خاطر مردم برای کسب درآمد و بهره‌برداری مالی به هر راهی که فکر کنید می‌روند و این موضوع به برنامه همستر با برنامه مشابه آن محدود نمی‌شود. این جامعه‌شناس ادامه می‌دهد: این موضوع مختص به ایران نیست و بر اساس مطالعات صورت‌گرفته، در سراسر دنیا وجود دارد و مادیات تمام فکر و ذهن مردم سراسر دنیا را گرفته است. قرایی‌همقدم می‌افزاید: از بخش‌نامه اوایل خردادماه معاونت روابط کار وزارت کار می‌گوید: حالا کارگری مثل من که مدت‌هاست برای بازنشستگی تقشه کشیده و همه برنامه‌هایش را بر اساس این چیده، باید چه کند؟

این کارگر قبل از این، با سه پیمانکار دیگر کار کرده که حالا هیچ خبری از اوضاع آنها ندارد، نمی‌داند کجا هستند و چگونه می‌تواند به آنها دسترسی داشته باشد. علی در انتقاد از بخش‌نامه اوایل خردادماه معاونت روابط کار وزارت کار می‌گوید: حالا کارگری مثل من که مدت‌هاست برای بازنشستگی تقشه کشیده و همه برنامه‌هایش را بر اساس این چیده، باید چه کند؟ این بخش‌نامه، کارفرمای مادر هیچ مسئولیتی دربارهٔ چهار درصد بازنشستگی پیش از موعد کارگران مشاغل سخت ندارد و کارگر باید خودش پیمانکاران مسئولیت این چیده شدن را بپذیرد؛ حالا کارگر بازنشستگی ما کارگران هستند. کارگران کوره‌های ذوب، یکی از سخت‌ترین کارهای دنیا را برعهده دارند و بعد از ۱۰ یا ۱۵ سال دچار مشکلات جسمی فراوان می‌شوند. خطور می‌خواهند بازنشستگی پیش از موعد ما را منتفی کنند؟ موعده ما گفته این کارگر، بخش‌نامه اخیر ظلم در حق کارگرانی است که بار اصلی تولید و سازندگی کشور را در دوش گرفته‌اند و تمام زندگی این کارگران را بر هم می‌ریزد.

پنجره

شرکت‌های پیمانکاری را حذف کنید

شرق: معضل شرکت‌های پیمانکار واسط که بین ادارات دولتی و کارگران، که در واقع به‌عنوان عنصر سوم در قرارداد عمل می‌کنند، فضای کاری را تا حد زیادی با ناراضیاتی مواجه کرده است. حالا خبر آمده که کارگران پیمانی بخش تولید نیروی برق کشور از وزیر نیرو خواستند که زمینه حذف این شرکت‌های پیمانکاری را فراهم کند. آنها می‌گویند: ما کارگران بخش تولید نیروی برق کشور به‌عنوان اصلی‌ترین اهرم توسعه کشور اعم از خانگی، صنعتی، تجاری، درمانی و... هستیم؛ بنابراین از مسئولان به‌ویژه وزیر نیرو درخواست داریم برای بهبود وضعیت معیشتی کارگران بخش تولید نیروی برق کشور اقدام به حذف پیمانکاران کند.

طبق ادعای کارگران پیمانی بخش تولید نیروی برق کشور، تجربه سال‌ها حضور پیمانکاران در وزارت نیرو نشان داده است که مدیران پیمانکاری نتنها تأثیری بر فرآیند کار تولید نیروی برق ندارند، بلکه در عمل می‌توانند به عاملی برای تهدید امنیت شغلی کارگران تبدیل شوند. به گفته کارگران، با توجه به اینکه طرح ساماندهی استخدام کارکنان دولت، در مسیر تأیید نهایی مسکوت مانده است، کارگران و پیمانکاران تأمین نیروی بخش تولید نیروی برق کشور، از وزیر نیرو خواست‌اند که زمینه حذف این شرکت‌ها را از محیط کار فراهم کند.

طبق اظهارات آنها حذف پیمانکاران باعث برقراری عدالت در پرداخت حقوق و مزایا می‌شود و این انگیزه کارگران را برای کار افزایش می‌دهد.

شرکت‌های پیمانکاری تأمین نیرو، سال‌های سال است که به‌عنوان عنصر واسطه به نیابت از ادرات دولتی و نهادهای عمومی با کارگران قرارداد می‌بندند تا هزینه‌های مادی و معنوی سازمان‌ها کاهش پیدا کند و مسئولیتی در قبال کارگران نداشته باشند.

بازنشستگی پیش از موعد ناممکن است؟

شرق: کارگران شرکتی در مشاغل سخت و زیان‌آور، نگران مصائب بازنشستگی پیش از موعد هستند. ایلنا در گزارشی به موضوعات مربوط به بازنشستگی پرداخته و به نقل از «علی» که کارگر شافل در یکی از کارخانجات فولاد است و پای کوره می‌ایستد اما قراردادش پیمانکاری است، مطالبی را عنوان کرده است. او طرف قرارداد با یک شرکت پیمانکاری است و چند سال دیگر بیشتر به بازنشستگی پیش از موعدش باقی نمانده است.

این کارگر قبل از این، با سه پیمانکار دیگر کار کرده که حالا هیچ خبری از اوضاع آنها ندارد، نمی‌داند کجا هستند و چگونه می‌تواند به آنها دسترسی داشته باشد. علی در انتقاد از بخش‌نامه اوایل خردادماه معاونت روابط کار وزارت کار می‌گوید: حالا کارگری مثل من که مدت‌هاست برای بازنشستگی تقشه کشیده و همه برنامه‌هایش را بر اساس این چیده، باید چه کند؟ این بخش‌نامه، کارفرمای مادر هیچ مسئولیتی دربارهٔ چهار درصد بازنشستگی پیش از موعد کارگران مشاغل سخت ندارد و کارگر باید خودش پیمانکاران مسئولیت این چیده شدن را بپذیرد؛ حالا کارگر بازنشستگی ما کارگران هستند. کارگران کوره‌های ذوب، یکی از سخت‌ترین کارهای دنیا را برعهده دارند و بعد از ۱۰ یا ۱۵ سال دچار مشکلات جسمی فراوان می‌شوند. خطور می‌خواهند بازنشستگی پیش از موعد ما را منتفی کنند؟ موعده ما گفته این کارگر، بخش‌نامه اخیر ظلم در حق کارگرانی است که بار اصلی تولید و سازندگی کشور را در دوش گرفته‌اند و تمام زندگی این کارگران را بر هم می‌ریزد.